

برنامه مرابحه کالایی؛ ابزاری نو برای مدیریت نقدینگی

دکتر رضا اکبریان*

همایون شیرازی**

چکیده

مدیریت نقدینگی یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط به بانکداری است که همه بانک‌های اسلامی و متداول را در بر می‌گیرد. اهمیت نقدینگی هنگامی دوچندان می‌شود که دریابیم عدم توانایی بانک برای پاسخگویی به تعهدات خود نه تنها بانک را به مخاطره می‌اندازد بلکه پایداری مالی کشور را نیز تهدید می‌کند. تفاوت بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های بانک، علت اصلی ایجاد ریسک نقدینگی است و بانک‌ها و مؤسسات مالی باید میزان مطمئنی نقدینگی برای پاسخگویی به تعهدات خود به مشتریان نگهداری کنند و بتوانند در صورت بروز مشکل در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با هزینه‌ای معقول نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین کنند. ریسک نقدینگی به علت کمبود ابزارهای مطابق با شریعت اسلام در بازارهای مالی برای مؤسسات مالی و بانک‌های اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است و به همین منظور به ابداع و معرفی روش‌های نوین بیش از پیش نیاز است. برنامه مرابحه کالایی یکی از نوآوری‌هایی است که می‌تواند به مدیریت نقدینگی بانک‌ها در کوتاه‌مدت کمک کند. در این مقاله ما به ساختار و مکانیسم برنامه مرابحه کالایی و به‌خصوص کاربرد آن به عنوان ابزاری برای مدیریت نقدینگی خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: مدیریت نقدینگی، بازار بین بانکی اسلامی، برنامه مرابحه کالایی

طبقه‌بندی JEL : E59

مقدمه

مدیریت نقدینگی^۱ در قلب فعالیت‌های بانکداری اسلامی و متداول قرار گرفته است و نادیده گرفتن آن می‌تواند علاوه بر ورشکستگی بانک‌ها، پایداری کل سیستم مالی را از بین ببرد. بروز مشکل نقدینگی، عمده‌ترین دلیل ورشکستگی بانک‌ها بوده است (مارک لارگان،^۲ ۲۰۰۰). بنابراین، برای بانک‌ها داشتن توانایی کافی برای به دست آوردن نقدینگی در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه اهمیت دارد (هفرنان،^۳ ۱۹۹۶). بانک‌های اسلامی نیز همچون بانک‌های متداول، دارایی‌های غیر نقدی در مقابل بدهی‌های پولی دارند و عدم تعادل بین سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مالی در بانک‌های اسلامی نیز می‌تواند باعث بروز مشکل نقدینگی شود و به همین دلیل، مدیریت نقدینگی برای این نوع بانک‌ها اهمیت دارد. از طرفی، نگهداری بیش از اندازه پول در برابر بدهی‌ها، سوددهی بانک را با مخاطره روبه‌رو می‌کند؛ به همین دلیل، ایجاد موازنه و اطمینان بین دارایی‌ها و میزان پول، مهم‌ترین مسئله مدیریت نقدینگی است (دو سوکی،^۴ ۲۰۰۷، ص ۳). وجود ابزارهای گوناگون، مانند بازار بین بانکی یا دیگر بازارهای سرمایه که بر اساس نرخ بهره عمل می‌کنند، به مدیریت نقدینگی بانک‌های متداول کمک زیادی می‌کند؛ اما بسیاری از ابزارهای مالی موجود بر اساس مکانیسم نرخ بهره بنا شده است و به علت حرمت ربا در اسلام نمی‌توان از آنها بهره گرفت؛ بنابراین، ایجاد روش‌های نو به علت خطر نقدینگی، بیش از پیش احساس می‌شود. ایجاد بازار مالی اسلامی، یکی از مهم‌ترین اقدام‌هایی است که با هدف کمک به بهبود و برطرف کردن مشکل نقدینگی بانک‌ها در کوتاه‌مدت صورت گرفته است.

بازار بین بانکی، نیز یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت نقدینگی در کشورهای پیشرفته است. در این بازار، بانک‌هایی که به نقدینگی نیاز دارند، از دیگر بانک‌ها به صورت کوتاه‌مدت وام می‌گیرند. زمان سررسید این وام‌ها از یک شب تا شش ماه و گاه تا یک سال است. دسترسی به بازار بین بانکی، یکی از مناسب‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند به تأمین نقدینگی بانک‌ها در کوتاه‌مدت کمک کند. دسترسی به بازار دوم نیز روش دیگری برای مدیریت نقدینگی بانک‌ها است. علاوه بر این، در مواقعی که دسترسی به بازار بین بانکی برای پوشش جریان نقدینگی امکان‌پذیر نباشد، از اوراق

1. liquidity management

2. Mark Largan

3. Heffernan

4. Dusuki

قابل مبادله‌ای که قابلیت تبدیل به پول نقد در کوتاه‌ترین زمان ممکن را دارد، استفاده می‌شود (رابرت هادسن و دیگران،^۱ ۱۹۹۸).

اولین بازار بین بانکی اسلامی^۲ در سوم ژانویه ۱۹۹۴ در مالزی به وجود آمد و در حال حاضر، به فعالیت‌های خرید و فروش ابزارهای مالی اسلامی، تسویه چک‌ها و سرمایه‌گذاری بین بانکی می‌پردازد.

برای توسعه و کارایی بازار بین بانکی اسلامی، نیاز به ابداع و نوآوری ابزارهای مالی مطابق با شریعت اسلام، بیش از پیش احساس می‌شود. در این مقاله، به بررسی ساختار و مکانیسم برنامه مباحه کالایی،^۳ به عنوان یکی از ابزارها پرداخته می‌شود تا باعث بهبود مدیریت نقدینگی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری شود.

مروری بر مطالعه‌های انجام شده

پژوهش‌های انجام شده در ایران در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته در دیگر کشورها، کم است و ابزارهای جدید دیگری، همچون صکوک، بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته و به برنامه مباحه کالایی پرداخته نشده است.

داوود سوری و محمد وصال در سال ۱۳۸۶ در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های نوین تأمین مالی و مدیریت نقدینگی در بانک»، به بررسی ابزارهای متداول مدیریت نقدینگی در بانک‌های غیر اسلامی و ابزارهای نو و توسعه یافته مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی پرداخته‌اند.

سید حسین میرجلیلی در گزارشی که از مجمع بین‌المللی بازار سرمایه اسلامی تهیه کرده است، به بررسی صندوق‌های بورسی اسلامی و موضوع تورق^۴ و مباحه کالایی پرداخته است. در این گزارش، رویه‌های اجرایی و شرایط مباحه کالایی بیان شده است.

دسوکی در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه مباحه کالایی: یک روش ابتکاری برای مدیریت نقدینگی» به بررسی ساختاری و پیشینه روش برنامه مباحه کالایی پرداخته است. در این مقاله، جنبه‌های فقهی این روش نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Robert Hudson and others

2. Islamic interbank market

3. commodity murabahah program

۴. تورق به معنای خرید کالا از عرضه‌کننده به صورت پرداخت مهلت‌دار و سپس فروش آن از سوی خریدار به طرف ثالث به صورت نقد است.

عبدالرئیس عبدالمجید^۱ در مقاله‌ای به بررسی توسعه ابزارهایی می‌پردازد که به مدیریت نقدینگی کمک می‌کند. و در این مقاله، چالش‌ها و فرصت‌های این ابزارها، مورد مطالعه قرار گرفته است.

همچنین ورن ادواردز^۲ در پژوهشی با نام «موضوع‌های مدیریت نقدینگی اسلامی»، به بیان مشکل‌های مدیریت نقدینگی و بازار بین بانکی بانک‌های اسلامی و معایب و مزایای بعضی از ابزارهای تأمین نقدینگی می‌پردازد.

تعریف و مفهوم مدیریت نقدینگی

مدیریت نقدینگی، توانایی بانک در پاسخگویی به برداشت‌های مشتریان و تقاضاهای جدید برای وام کوتاه‌مدت است (لوکت،^۳ ۱۹۸۰). بانک‌ها به‌طور معمول تعهدهای جاری خود را به دارایی‌های غیر جاری تبدیل می‌کنند و این جابه‌جایی، بانک‌ها را ملزم به مدیریت کارآمد و بهینه نقدینگی می‌کند. بانک‌ها باید پرتفولیوی خود را سازماندهی نمایند تا به وسیله بازدهی دارایی‌ها به نیازهای سپرده‌گذاران و مشتریان در کوتاه‌مدت پاسخ دهند؛ بنابراین، نااطمینانی نقدینگی، یکی از مهم‌ترین خطرهای است که مورد توجه بانک‌ها است و در صورت عدم مدیریت صحیح آن، می‌تواند باعث ورشکستگی بانک شود. عدم توانایی یک بانک در پاسخگویی به تعهدهایش می‌تواند عملکرد سایر بانک‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و باعث مراجعه سپرده‌گذاران سایر بانک‌ها به بانک‌ها برای گرفتن سپرده‌هایشان شود (باتاچاری و ژاکلین،^۴ ۱۹۹۸؛ دایاموند و دی‌پیریگ،^۵ ۱۹۸۳).

هنگامی که بانک‌ها در بانکداری متداول با کمبود نقدینگی روبه‌رو می‌شوند، می‌توانند از سایر مؤسسه‌های مالی قرض بگیرند و یا به وسیله بازار بین بانکی به برطرف کردن این مشکل بپردازند. سررسید این قرض‌ها از یک شب تا یک سال است. برای مثال، در آمریکا، وجود بازار مناسب برای اوراق قرضه خزانه‌داری این امکان را به بانک‌ها می‌دهد که از این اوراق، به عنوان یکی از دارایی‌های نقدشونده استفاده کنند. بانکداری اسلامی نیز همانند بانکداری متداول با خطر نقدینگی روبه‌رو است؛ اما به

1. Abdul Rais Abdul Majid

2. Warren Edwardes

3. Lockett

4. Bhattachay & Jacklin

5. Diamond & Dybrig

دلیل وجود مکانیزم‌های مشارکت در سود و زیان، هم در قسمت دارایی‌ها و هم در قسمت بدهی‌ها، خطر نقدینگی کمتری در برابر سایر بانک‌ها دارد و سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران در منافع و زیان‌های به دست آمده از سپرده شریک هستند. به همین علت، بانک‌های اسلامی در مقایسه با سایر بانک‌ها در برابر خطر نقدینگی کمتری قرار دارند و در نتیجه، پایداری سیستم مالی بانک‌های اسلامی بیشتر است و این می‌تواند بانکداری اسلامی را به عنوان جایگزینی برای بانکداری متداول معرفی کند (خان و میر آخور،^۱ ۱۹۸۷؛ سدیگوی،^۲ ۲۰۰۱).

در بانکداری اسلامی، وجود وام‌هایی که بانک صرف نظر از میزان سود، آن را ضمانت می‌کند و یا وجود عقدهایی، همچون مباحثه یا قرارداد استصناع یا اجاره و دیگر عقود (که درآمد معین و سود مطمئنی برای بانک‌ها دارد) باعث می‌شود که مدیریت نقدینگی نیز در بانک‌های اسلامی نقش برجسته‌ای پیدا بکند.

در قسمت دارایی‌ها، بانک‌های اسلامی با دارایی‌های غیر جاری روبه‌رو هستند؛ حال آنکه در قسمت بدهی‌ها، سپرده‌هایی را دریافت می‌کنند که به صورت نقد است. به‌طور خلاصه، دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های غیر ربوی، همانند بانک‌های متداول است.

مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی

بانک‌های اسلامی، به‌خصوص در منطقه خاورمیانه، با مازاد نقدینگی روبه‌رو هستند. در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۲ توسط خان و احمد صورت گرفت، نشان داده شده است که بانک‌های اسلامی ۵۰ درصد بیشتر از بانک‌های معمول دارایی نقدی دارند و از ۱۳/۶ میلیارد دلار دارایی این بانک‌ها، ۶/۳ میلیون دلار به صورت دارایی نقدی نگهداری می‌شود که بازدهی این نوع دارایی‌ها به‌طور معمول، پایین و گاهی بدون بازدهی است.

در سیستم بانکداری متداول، وجود بازارهای مالی ثانویه، بازار بین بانکی و دیگر ابزارهای متنوع که بر اساس نرخ بهره فعالیت می‌کنند، به مدیریت هر چه بهتر نقدینگی بانک‌ها کمک می‌کنند؛ اما به دلیل حرمت داشتن ربا در اسلام، بسیاری از این ابزارها غیر قابل استفاده برای بانک‌های اسلامی است و ایجاد یک بازار دومی، همانند بازار سرمایه و بازار بین بانکی که بر اساس شریعت اسلام پایه‌گذاری شده باشد، می‌تواند

1. Khan & Mirakhor

2. Siddiqui

مهم‌ترین اقدام برای بهبود مدیریت نقدینگی بانک‌ها محسوب شود. به‌طور کلی، بانک‌ها می‌توانند برای برطرف کردن مشکل نقدینگی خود در کوتاه‌مدت به بازار بین بانکی مراجعه کنند^۱ و علاوه بر آن، در هنگام عدم دسترسی به بازار بین بانکی اوراقی را مورد استفاده قرار دهند که قابلیت مبادله و تبدیل به پول نقد در کوتاه‌ترین زمان ممکن را دارد.

مشکلات نقدینگی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اسلامی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد (عبدالمجید، ۲۰۰۳، ص ۶):

۱. تعداد اندک شرکت‌کنندگان؛
۲. توسعه آرام ابزارهای مالی اسلامی؛
۳. نبودن بازار ثانویه پولی اسلامی مورد پذیرش همگان؛
۴. نبودن بازار ثانویه پولی اسلامی؛
۵. نبودن نهادی به عنوان آخرین منبع وام‌دهی؛^۲
۶. وجود تفسیرهای متفاوت در مذاهب مختلف اسلامی.

اولین بازار بین بانکی اسلامی در سال ۱۹۹۴ در کشور مالزی به وجود آمد. در این بازار، ابزارهایی، مانند تأییدیه سبز بانک، اوراق قرضه اسلامی مسکن و اوراق قرضه خصوصی بر اساس بیع‌الدین مورد مبادله قرار می‌گیرد^۳ (سوری و وصال، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵). علاوه بر این، مؤسسه‌های مالی می‌توانند به خرید و فروش اوراق سرمایه‌گذاری اسلامی دولت به بانک مرکزی اقدام کنند تا بتوانند نیازهای نقدینگی خود را برطرف کنند. سه روش برای عملکرد بانک‌ها در یک بازار بین بانکی اسلامی می‌توان در نظر گرفت. اول آنکه، بانک‌ها می‌توانند قراردادهایی برای تأمین مالی متقابل در چارچوب مشارکت در سود و زیان داشته باشند. بانک‌هایی که به نقدینگی نیاز دارند، از بانک‌های دیگر قرض می‌گیرند؛ اما باید دقت شود که این قرض با نرخ بهره مشخص نیست، در پایان دوره در صورتی که بانک سود کرده باشد، قرض بانک دیگر را با سود پس می‌دهد (همان). دوم اینکه، می‌توان یک قرارداد مشارکت بین بانکی به منظور توسعه تأمین مالی متقابل داشت؛ به شرطی که خالص استفاده از این روش در

۱. بر اساس عقود مضاربه، بانکی که در سیستم بانکداری بدون ربا فعالیت می‌کند، می‌تواند اضافه نقدینگی خود را در بانکی دیگر سرمایه‌گذاری کند (سوری و وصال، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵).

2. lender of last resort

۳. برای توضیح‌های بیشتر این ابزارها رجوع شود به: <http://iimm.bnm.gov.my>

یک دوره داده شده، صفر باشد. روش سوم، تأسیس یک صندوق مشترک توسط بانک‌های شرکت‌کننده در بازار است که این صندوق در بانک مرکزی قرار دارد و بر اساس عقود اسلامی به بانک‌های عضو، خدمات ارائه می‌دهد. باچا^۱ در پژوهشی که اخیراً انجام داده، به این نتیجه رسیده است که بازار بین بانکی مالزی با وجود عدم استفاده از نرخ بهره مشخص که در بانکداری متداول مرسوم است، به تغییرهای نرخ بهره بانک‌های ربوی وابسته است و به همین دلیل، تحت تأثیر خطر نرخ بهره قرار می‌گیرد.

بیشتر ابزارهایی که در بازار بین بانکی اسلامی مالزی به کار برده می‌شود، بر اساس بیع‌الدین است که بنا بر نظر بسیاری از فقهای اسلامی، این‌گونه معامله‌ها شبهه دارد. یکی از ابزارهایی جدیدی که اخیراً و به منظور کمک به مدیریت نقدینگی بانک‌های اسلامی معرفی شده و مورد تأیید بسیاری از فقهای اسلامی است، برنامه مباحه کالایی است که بر اساس تورق صورت می‌گیرد.

برنامه مباحه کالایی^۲

بر اساس تعریفی که از مباحه در لغت‌نامه دهخدا آمده است، مباحه به معنای توافق دوطرفه برای سود یک معامله می‌باشد و مباحه قراردادی است که بر اساس آن، فروشنده قیمتی را که برای کالایی پرداخته است، بیان می‌کند و با اضافه کردن مبلغی بر آن به عنوان سود، مجموع آن را قیمت فروش قرار می‌دهد. در عقد مباحه، لازم است که فروشنده و خریدار، هر دو به مقدار قیمت خرید اول و مقدار سود آگاه باشند و در صورت اثبات خلاف آن، خریدار حق فسخ دارد.

یکی از روش‌های معمول سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی، وارد شدن در مبادله‌های کالایی است. مباحه کالایی، یکی از روش‌های متداولی است که به مدیریت نقدینگی بانک‌ها کمک می‌کند و بر اساس مبادله کالا عمل می‌کند. این روش، در کشورهای حوزه خلیج فارس، به خصوص عربستان و امارات متحده عربی برای مدیریت نقدینگی در کوتاه‌مدت به کار می‌رود (الجمال،^۳ ۲۰۰۶). کالاهایی که بر اساس آن مبادله صورت می‌گیرد، فلزهایی است که در بازار فلزهای لندن^۴ مورد مبادله قرار می‌گیرد و بر اساس

1. Bacha

2. commodity murabahah program

3. El Gamol

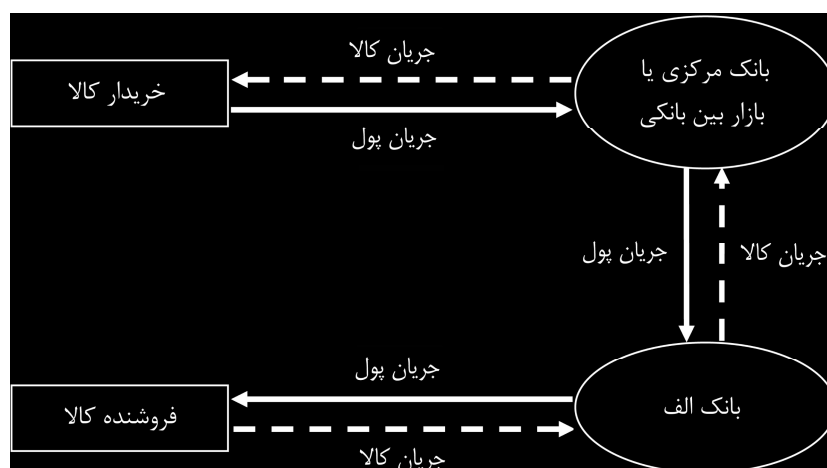
4. London metal exchange. در این بازار آلومینیم، مس، نیکل، قلع و فلزهایی، مانند این مورد معامله قرار می‌گیرد.

پرداخت صد درصد مبلغ از این بازار خریداری می‌شود و این کالاهای خریداری شده به شخص ثالث بر اساس عقد مرابحه (هزینه کالا و سود) با پرداخت مهلت‌دار و با سررسید از یک هفته تا شش ماه فروخته می‌شود.

برنامه مرابحه کالایی، به عنوان ابزاری جدید برای مدیریت نقدینگی بانک‌ها در کوتاه‌مدت، در ۸ فوریه سال ۲۰۰۷ میلادی توسط بانک مرکزی مالزی معرفی شده است. این ابزار بر اساس استفاده از ساختار مرابحه کالایی شکل گرفته است. در کشور مالزی بر خلاف کشورهای حوزه خلیج فارس از کالایی غیر از فلز به عنوان کالای مورد معامله در مرابحه استفاده می‌شود. در این کشور، برنامه مرابحه کالایی بر اساس استفاده از روغن خرما بنا شده است و این کالا به‌طور رسمی در بازار مالی اسلامی مبادله می‌شود (دوسوکی، ۲۰۰۷، ص ۱۲).

ساختار برنامه مرابحه کالایی در شکل‌های ۱ و ۲ نشان داده شده است. هنگامی که بانک با افزایش نقدینگی روبه‌رو است، می‌تواند این افزایش نقدینگی را صرف خرید کالا نماید. در واقع، بانک الف مبلغی را برای کار به عاملیت خود در انجام مبادله‌های کالایی می‌دهد تا آن عامل کالای مورد نظر بانک را (که می‌تواند فلزها یا کالاهای مورد تأیید دین اسلام باشد) به صورت نقد از شخص اول خریداری نماید. سپس بانک الف، آن کالا یا کالاها را به بانک مرکزی یا بازار بین بانکی در یک پرداخت مهلت‌دار می‌فروشد. برای نمونه، اگر بانک با مازاد نقدینگی به میزان یک میلیون تومان روبه‌رو است، کالایی (فلز یا کالای مجاز دیگر) به مبلغ یک میلیون تومان خریداری می‌کند و آن را به بانک مرکزی در یک پرداخت مهلت‌دار با سود ۶ درصد و با سررسید شش ماه می‌فروشد. بانک مرکزی کالا را به کارگزار دیگر با پرداخت پول در لحظه و با همان قیمتی می‌فروشد که کالا را از بانک الف خریداری کرده است. بانک مرکزی ممکن است که از بانک اول به عنوان عامل خود برای فروش کالا استفاده کند. در این حالت و در سررسید، بانک الف مبلغی دریافت می‌کند که برابر با اصل مبلغ و سودی است که مورد توافق قرار گرفته و حساب این بانک نزد بانک مرکزی به صورت بستانکار می‌شود (برای مثال، در سررسید حساب بانک الف نزد بانک مرکزی به اندازه ۱۰۳۰۰۰۰ میلیون تومان بستانکار خواهد شد $1/030/000 = 1/000/000 \times 0/06 + 0/5$). برنامه مرابحه کالایی، مسیری را پیش روی بانک‌هایی ترسیم می‌کند که با افزایش نقدینگی روبه‌رو هستند تا بتوانند

علاوه بر کمک به توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تولید، نقدینگی را به‌طور مؤثری مدیریت کنند.

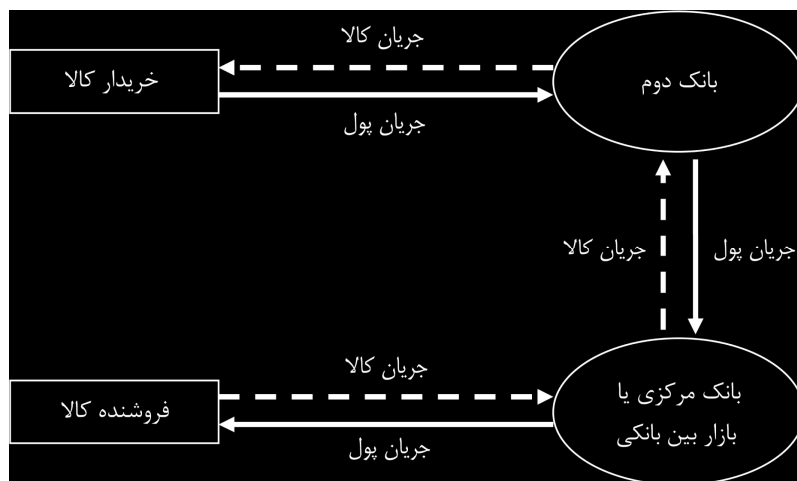


شکل ۱: استفاده از برنامه مباحه کالایی به منظور جذب اضافه نقدینگی بانک

در بانکداری متداول در صورت بروز مشکل نقدینگی، بانک‌ها می‌توانند با مراجعه به بازار بین بانکی و مؤسسه‌های مالی و گرفتن وام با نرخ بهره‌ای مشخص، نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین کنند؛ اما در بانکداری اسلامی به علت حرام بودن ربا نمی‌توان نقدینگی مورد نیاز را از این‌گونه بازارهای بین بانکی تأمین کرد. بانک‌های اسلامی نیز در اثر عدم تعادل بین دارایی‌ها و بدهی‌های خود دچار مشکلات موقتی نقدینگی می‌شوند و برای برطرف کردن آن می‌توانند از برنامه مباحه کالایی استفاده کنند.

همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، وقتی بانک با کاهش موقتی نقدینگی روبه‌رو می‌شود، می‌تواند از برنامه مباحه کالایی استفاده کند. در این حالت، بانک مرکزی یا بازار بین بانکی، بانکی را که با مشکل نقدینگی روبه‌روست، به عنوان عامل خود انتخاب کرده و از فروشنده اول بر اساس پرداخت در لحظه، کالای مورد معامله را خریداری می‌کند. بانک دوم، کالا را خریداری می‌کند و مالکیت آن را به بانک مرکزی منتقل می‌کند (که این کالا می‌تواند فلز یا روغن خرما یا هر کالای دیگری باشد که بر اساس آن، برنامه مباحه کالایی شکل می‌گیرد). سپس بانک مرکزی یا بازار بین بانکی، کالا را به بانکی که با مشکل نقدینگی روبه‌روست، بر اساس پرداخت مهلت‌دار (هزینه کالا به اضافه سود) می‌فروشد و بانک دوم کالا را به خریدار دیگری (به جز

فروشنده اولیه کالا) به صورت پرداخت همزمان و به همان مبلغی می‌فروشد که از بانک مرکزی خریداری کرده است. در سررسید بانک دوم باید مبلغ اصلی به اضافه سود را به بانک مرکزی بدهد و از این روش، بانک می‌تواند مشکل نقدینگی خود را برطرف کند. برای مثال، بانکی که با کاهش یک میلیون تومانی نقدینگی روبه‌روست، به بانک مرکزی و یا بازار بین بانکی مراجعه می‌کند که بر اساس برنامه مباحثه کالایی و یا مبادله فلزها فعالیت می‌کنند. در این حالت، بانک مرکزی و یا بازار بین بانکی، بانکی را که مشکل نقدینگی دارد، به عنوان کارگزار خود انتخاب می‌کند و با پرداخت یک میلیون تومان به بانک مورد نظر، وی را مأمور می‌کند تا از بازار کالا، کالای مورد نظر را به صورت نقد خریداری کند (که در این مثال، بانک از بازار فلزها به خریداری کالا می‌پردازد). سپس بانک مرکزی یا بازار بین بانکی در یک پرداخت مهلت‌دار، کالای خریداری شده را به بانک می‌فروشد و بانکی که اکنون به عنوان مالک جدید کالا است، با مراجعه به بازار کالا، به فروش دوباره کالا می‌پردازد، البته همان قیمتی که خریداری شده است و به این صورت، نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین می‌کند. بیان این نکته ضروری است که بانک نمی‌تواند کالا را به همان شخصی بفروشد که کالا را از آن خریداری کرده است. بانکی که مشکل نقدینگی دارد، باید در سررسید خود مبلغ گرفته شده را به همراه میزان مبلغی که توافق شده، به بانک مرکزی یا بازار بین بانکی پرداخت نماید.



شکل ۲: برنامه مباحثه کالایی هنگام رویارویی بانک با کاهش موقتی نقدینگی

بررسی فقهی برنامه مرابحه کالایی

در این قسمت به بررسی برنامه مرابحه کالایی از نظر فقهای اسلامی پرداخته می‌شود. در ساختار برنامه مرابحه کالایی از تورق استفاده شده است. تورق به معنای خرید کالا از بانک به صورت پرداخت نسبی و فروش آن توسط خریدار به شخص دیگر به منظور کسب پول نقد است. در این حالت، فرد می‌تواند بانک را به عنوان کارگزار خود انتخاب کند و کالا را توسط آن به فروش برساند. در ادبیات اقتصادی، تورق به معنای فروش کالای مشخص به منظور به دست آوردن نقدینگی مورد نیاز است (احمد، ۲۰۰۹، ص ۲). همچنین تورق می‌تواند معامله استاندارد باشد که در آن، یک نهاد مالی، کالایی به مشتری به صورت نسبی بفروشد و بر این اساس، بانک متعهد شود (چه به عنوان شرط قرارداد یا طبق عادت و رسوم) تا آن را از طرف او به خریدار دیگر به قیمتی بفروشد که بلافاصله پرداخت می‌شود و آن قیمت را به مشتری منتقل کند؛ این حالت را تورق سازماندهی شده می‌نامند (میر جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۶). تورق سازماندهی شده از سال ۲۰۰۰ توسط تعدادی از بانک‌های عربستان سعودی به کار گرفته شد و سپس توسط بانک‌های بحرین، کویت، قطر و امارات عربی متحده مورد استفاده قرار گرفته است. در تورق سنتی، فروشنده به فروش کالایی می‌پردازد که در مالکیت وی است و پس از فروش، آن کالا را به خریدار منتقل می‌کند و خریدار با دریافت کالا می‌تواند آن را به شخص دیگری به جز فروشنده اول بفروشد. شباهتی که میان تورق سنتی و تورق سازماندهی شده وجود دارد، هدفی است که دو قرارداد بر اساس آن شکل می‌گیرد. در واقع، خریدار کالای مورد نظر را فقط به منظور به دست آوردن پول نقد خریداری می‌کند. این قرارداد، دو معامله دارد: اول، خریداری کالا با یک پرداخت مهلت‌دار؛ دوم، فروش آن به منظور به دست آوردن پول مورد نظر. همچنین این معامله سه طرف دارد: اول، صاحب کالا؛ دوم، خریدار اول که کالا را در یک پرداخت مهلت‌دار می‌خرد؛ سوم، خریدار دوم که کالا را از خریدار اول می‌خرد.

در تورق سنتی، فروشنده اول نمی‌داند که شخص خریدار قصد دارد که برای به دست آوردن نقدینگی، کالای خریداری شده را دوباره بفروشد یا حداقل فروشنده اول، معامله دوم را ترتیب نمی‌دهد. در نتیجه، تنها کسی که در هر دو معامله به صورت مستقیم یا غیر مستقیم حضور دارد، خریدار اول است. در تورق سازماندهی شده،

مؤسسه مالی، قرارداد را از اول تا آخر با پیشنهاد دادن نوع کالا به مشتری و فروش آن ترتیب می‌دهد.

از نظر فقهی، تورق سنتی جایز است؛ اما در مورد تورق سازماندهی شده، عده‌ای از علما استفاده از آن را جایز و عده‌ای دیگر آن را درست دانسته‌اند. از دیدگاه برخی علما، تورق سازماندهی شده بیشتر شبیه بیع‌العینه^۱ است. به دلیل آنکه، نهاد مالی از اول تا آخر، عهده‌دار فروش کالا با قیمت بالاتر به مشتری و فروش دوباره آن از طرف مشتری با قیمتی پایین‌تر از قیمت خریداری شده به وی است. البته باید توجه داشت که یک تفاوت مهم میان تورق سازماندهی شده و بیع‌العینه وجود دارد؛ در بیع‌العینه، همان فروشنده‌ای که کالا را در یک پرداخت مهلت‌دار می‌فروشد، خریدار کالایی است که خریدار اول قصد دارد آن را با قیمتی پایین‌تر بفروشد؛ اما در تورق سازماندهی شده، فروشنده اول نمی‌تواند خریدار دوم باشد و طرف سوم، در معامله حضور دارد. از انتقادهای دیگر که بر این معامله وارد می‌شود، ناتوانی آن در اجرای شرط تملک کالای مورد معامله است (احمد، ۲۰۰۹، ص ۱۲). البته خریداری واقعی کالاهایی که در قرارداد تورق مورد معامله قرار می‌گیرد، انتقال واقعی مالکیت کالاها به خریدار و رعایت شرایط خرید و فروش بر اساس مبانی اسلام، از جمله عواملی است که می‌تواند نگرانی فقها در مورد اجرای شرط تملک کالای مورد معامله را برطرف کند. کاربرد تورق در بانکداری با شرایط زیر اشکالی ندارد (میر جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۶):

۱. کالا موجود باشد؛
۲. بانک مالکیت کامل کالا را با حقوق و بدهی‌های آن داشته باشد؛
۳. بانک، کالا را به تصرف خود درآورد؛
۴. با انجام فروش به مشتری، مشتری مالکیت کامل کالا را با حقوق و بدهی‌های آن داشته باشد؛
۵. مشتری حق نگهداری یا فروش کالا را داشته باشد؛
۶. مشتری مجاز نیست که کالا را به بانک دوباره بفروشد.

با وجود ایرادهای گرفته شده به معامله‌های تورق سازماندهی شده، برنامه‌مراپحه کالایی در مقایسه با سایر ابزارهای موجود، پذیرش بیشتری در میان فقهای کشورهای

۱. بیع‌العینه، یکی از روش‌های تأمین مالی است که در آن شخص همان کالایی را که به فرد دیگر فروخته است، با قیمتی بالاتر از آن شخص دوباره می‌خرد (رسلی و سنسوری، ۱۹۹۹، ص ۸).

مختلف دارد و می‌توان تا رسیدن به ابزاری که مورد قبول همه فقهای اسلامی است، از آن استفاده کرد.

مزایا و معایب مطرح شده در مورد برنامه مباحه کالایی

شاید با اطمینان بتوان گفت که مهم‌ترین مانعی که پیش روی ابزارهای جدید مدیریت نقدینگی قرار دارد، وجود بحث عدم پذیرش آن توسط همه فقهای مسلمان است. در مقایسه با سایر ابزارهای موجود، برنامه مباحه کالایی، پذیرش بیشتری دارد (البته بعضی از فقهای مسلمان نسبت به سازوکاری که برنامه مباحه کالایی بر اساس آن فعالیت می‌کنند، شبهه دارند). تخصیص بهینه منابع، ابزار مؤثر به منظور مدیریت نقدینگی و ابزاری مناسب به منظور مدیریت خطر، از دیگر مزایایی است که برای برنامه مباحه کالایی بیان شده است. دارا بودن هزینه حق‌العمل به علت استفاده از واسطه و ایجاد شک و تردید برای وجود میزان کافی فلز یا کالای مورد مبادله در مقیاس کلان که مباحه بر اساس آن فعالیت می‌کند، از جمله انتقادهایی است که نسبت به این ابزار مطرح شده است. علاوه بر این، اگر در مباحه کالایی، از کالایی که در داخل مرزهای جغرافیایی کشور تولید می‌شود، استفاده نشود و کالایی که در خارج از کشور تولید می‌شود، مورد مبادله قرار گیرد، می‌تواند باعث خروج سرمایه از کشور شود و علاوه بر این، برنامه مباحه کالایی، نرخ بازگشت پایینی دارد.

نتیجه‌گیری

مدیریت نقدینگی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در بانکداری اسلامی و متداول مطرح است و این مسئله به علت محدودیت وجود ابزارهای گوناگون (آن‌گونه که در بانکداری متداول وجود دارد) در بانکداری اسلامی اهمیت بیشتری دارد. بسیاری از ابزارهایی که برای تأمین نقدینگی بانک‌های اسلامی در کوتاه‌مدت استفاده می‌شود، با مشکل عدم پذیرش فقها و شبهه روبه‌روست. به همین دلیل، نیاز به معرفی ابزاری نو که مورد پذیرش بیشتری در کشورهای اسلامی است، بیش از پیش احساس می‌شود. برنامه مباحه کالایی، یکی از این ابزار نو است که کشورهای مسلمان می‌توانند با استفاده از کالاهایی که در داخل کشور خودشان تولید می‌شود و با مورد مبادله قرار دادن این‌گونه کالاها در برنامه مباحه کالایی، علاوه بر دست یافتن به ابزاری نو برای

برطرف کردن مشکل نقدینگی و بر اساس سازوکاری مطابق با شریعت اسلام، به افزایش تولید داخلی کمک کنند. ایجاد مکان برای انواع کالاهایی که می‌تواند بر اساس شریعت اسلام در برنامه مباحه کالایی مورد مبادله قرار بگیرد، علاوه بر برطرف کردن مشکل نقدینگی بانک‌های اسلامی، به گسترش فعالیت تولیدی کمک کند. در واقع، می‌توان با برقراری پیوند میان بورس کالاها و یا بورس فلزها با برنامه مباحه کالایی با رعایت اصول و با استفاده از قوانین فقهی اسلام، هم مشکلات نقدینگی بانک‌ها را برطرف کرد و هم به رونق بازار سرمایه داخلی کمک نمود.

منابع

- آقامهدوی، اصغر و سید محمدمهدی موسوی (۱۳۸۷)، «ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی و امکان استفاده از تاخت نکول اعتباری جهت کنترل آن»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی *جستارهای اقتصادی*، س ۵، ش ۹.
- بیدآباد، بیژن و محمود الهیاری فر (۱۳۸۶)، «مدیریت دارایی و بدهی در بانکداری اسلامی»، *کنگره بین‌المللی مدیریت ریسک*.
- سوری، داوود و محمد وصال (۱۳۸۷)، «روش‌های نوین تأمین مالی و مدیریت نقدینگی در بانک»، *مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی*.
- میر جلیلی، سید حسین (۱۳۸۷)، «گزارش مجمع بین‌المللی بازار سرمایه (۲۷ مارس ۲۰۰۸، کوالامپور)»، *مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی*.
- <http://www.rdis.ir/IslamicFinStuDetail.asp/stuid=15>.
- Abdul Majid, A. R. (2003), "Development of Liquidity Management Instruments, Challenges and Opportunities", *International Conference on Islamic Banking: Risk Management, Regulation and Supervision*, Jakarta, Indonesia.
- Al-Shalhoob, Salah (2007), *Organized Tawarruq in Islamic Law*, In: *Islamic Banking and Finance in Malaysia*.
- Bacha, I. O. (2008), "The Islamic Interbank Money Market and a Dual Banking System: the Malaysian Experience", *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, vol.1, no.3, pp.210-226.
- Bhattacharya, S. & C. Jacklin (1988), "Distinguishing Panics and Information-Based Runs: Welfare and Policy Implications", *Journal of Political Economy*, 96, pp.568-592.
- Diamond, D. V. & P. Dybvig, (1983), "Bank Runs, Deposit Insurance and Liquidity". *Journal of Political Economy*, 91(1), pp.401-419.
- Dusuki, A. W. (2007), "Commodity Murabahah Programme (CMP): An Innovative Approach to Liquidity Management", *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, vol.3, no.1.

- Edwardes, W. (2003), "Islamic Liquidity Management", *Delphi Risk Management Limited, Islamic Funds World*.
- El-Gamal, M. A. (2006), *Islamic Finance: Law, Economics and Practice*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Heffernan, S. (1996), *Modern Banking in Theory and Practice*, New York: John Wiley and Sons.
- Hudson, Robert & Others (1998), "Treasury Management third Edition", *the Chartered Institute of Bankers, United Kingdom*, p.37.
- Khan, M. S. & A. Mirakhor (1987), *The Framework and Practice of Islamic Banking. In A. Mirakhor (Ed.), Theoretical Studies in Islamic Banking and Finance*, Texas, USA: The Institute for Research and Islamic Studies.
- Khan, T. & H. Ahmed (2002), *Risk Management An Analysis of Issues in Islamic Financial Industry*, Occasional Paper, no.5, Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.
- Largan, Mark (2000), *Banking Operation*, 2nd Edition Chartered Institute of Bankers, United Kingdom, p.28.
- Luckett, D. G. (1980), *Approaches to Bank Liquidity Management, Economic Review*, Federal Reserve Bank of Kansas City.
- Rosly, S. A. & M. M. Sanusi (1999), "The Application of Bay' al-'Inah and Bay' al-Dayn in Malaysian Islamic Bonds: An Islamic Analysis", *International Journal of Islamic Financial Services*, vol.1, no.2.
- Rosly, S. A. (2005), *Critical Issues on Islamic Banking and Financial Markets: Islamic Economics, Banking and Finance, Investments, Takaful and Financial Planning*, Kuala Lumpur: Dinamas Publishing.
- Siddiqui, S. H. (2001), *Islamic Banking: True Modes of Financing*, New Horizon, 109 (May-June).